

طرح درس کتاب «ویلووی خجالتی»

نویسنده طرح: فاطمه مصلح 

گروه سنی: پایه اول تا سوم دبستان - سطح ۱، ۲ و ۳* 

موضوع: احساس خجالت، کمک کردن به دیگران 



روزی روزگاری، خرگوشی به نام ویلووی
توی صندوق پستِ دورافتاده‌ای زندگی
می‌کرد. ویلووی بیرون رفتن را خیلی
دوست نداشت. او ترجیح می‌داد توی
خانه‌ی دنج و راحتش بماند...
... آخه راستش او خیلی خجالتی بود. تا
اینکه یک روز...

اهداف

- کودک با احساس خجالت آشنا شود و برخی شکل‌های بروز آن را بشناسد.
- بتواند برای رفع ویژگی نامطلوب یک نفر (در اینجا خجالت) به یک راه‌حل خلاقانه فکر کند.
- بتواند بفهمد برای کمک به کسی که خجالتی است، می‌تواند از آدم‌های مختلف یا حتی عناصر طبیعت کمک بگیرد.



- کتاب داستان ویلوی خجالتی
- کاغذ آ ۴ یک رو سفید یا رنگی به تعداد بچه‌ها
- کاغذ آ ۶ به تعداد بچه‌ها
- کاغذ آ ۵ به رنگ‌های مختلف، به هر گروه ۳ رنگ مختلف داده شود.
- مداد رنگی، پاستل و چسب ماتیکی به تعداد گروه‌ها
- قیچی کوچک، به هر گروه ۲ عدد داده شود.
- کاربرگ به تعداد بچه‌ها
- تصویر ویلو خرگوشه که در صندوق پست است (برای شروع کلاس)
- کتاب من خجالتی هستم و پسر نامریی (برای معرفی)



بحث و گفتگوی پیش از قصه‌گویی :

- تصویر ویلو خرگوشه را که در صندوق پست است روی تابلو نصب کنید و از بچه‌ها

پرسید:

- چه چیزی در تصویر می‌بینند؟
- چرا این خرگوش اینجاست؟
- به نظر تان چه احساسی دارد؟

- از اسم کتاب به نظر می‌رسد خرگوش کوچولو خجالتی است.

- به نظر شما از چه چیزی خجالت کشیده؟

- شماها تا حالا خجالت کشیدید؟

- چه وقت‌هایی یا در چه موقعیت‌هایی چنین احساسی داشتید؟

- اگر شما بخواهید به خرگوش کمک کنید که خجالت نکشد چه کارهایی می‌توانید

انجام دهید؟



* برای پاسخ بهتر به این سوال باید داستان را بخوانیم تا بفهمیم خرگوش کوچولو چه وقت‌هایی خجالت می‌کشد.

* در صورتی که بچه‌ها احساسات دیگری را نام بردند مثل ترس، غم یا... می‌توانید بحث را در مورد همان احساس و کمکی که می‌توانیم به او بکنیم ادامه دهید و خودتان احساس خجالت را هم پیشنهاد دهید. در پایان بگویید حالا برویم داستان را بخوانیم ببینیم او چه احساسی دارد و چه اتفاقی برای او می‌افتد.

بحث و گفتگوی پس از قصه گویی



از بین سوالات زیر، ۴ یا ۵ سوال را متناسب با سطح بچه‌ها انتخاب کنید و در مورد سوالات با بچه‌ها گفتگو کنید.

«سوالات حافظه»

- ویلوخر گوشه کجا زندگی می‌کرد؟
- چرا ویلوخر گوشه دوست نداشت از صندوق پست بیرون بیاید؟
- در یکی از روزها چه چیزی توی خانه‌اش افتاد؟
- ویلو چه کارهایی انجام داد تا به ماه برسد؟
- کدامیک از کارهایی که ویلو به ذهن‌اش رسید بلاخره جواب داد و توانست او را به ماه برساند؟
- وقتی تئو و مادرش ماه درخشان را دیدند چه احساسی داشتند؟

«سوالات درک مطلب»

- چه چیزی باعث شد ویلوخر گوشه تصمیم بگیرد از خانه‌اش (صندوق پست) بیرون بیاید؟
- چرا وقتی ویلو نامه را به ماه داد ماه تعجب کرد؟
- چرا ماه به ویلوخر گوشه گفت تو خرگوش خیلی شجاعی هستی؟
- چه چیزهایی یا چه کسانی به ویلو کمک کردند تا خجالت‌اش را کنار بگذارد؟



«سوالات کاربردی»

۱) الف: اگر تولد مادر یا پدر یا خواهر یا برادرتان باشد چه هدیه‌ی جالبی شبیه تئو می‌توانی به آن‌ها بدهی؟

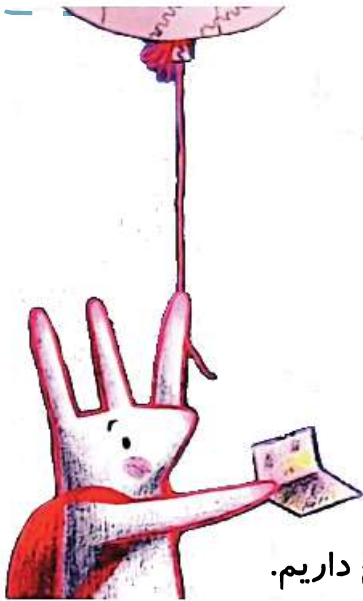
ب: برای این هدیه‌ای که می‌خواهی بدهی از چه موجوداتی و چه چیزهایی در طبیعت می‌توانی کمک بگیری؟

۲) الف: آیا تا به حال پیش آمده که کسی مثل ویلو را هنگامی که از چیزی خجالت می‌کشد ببینید؟ (مثلاً وقتی دانش‌آموز جدیدی وارد کلاس می‌شود و...)

ب: آیا توانستید برای او کاری بکنید که احساس خجالتش کمتر شود؟

۳) تا حالا شده است که مانند ویلو خجالت بکشید، مثلاً از اینکه سر کلاس حرف بزنید، و بعد احساس خجالت‌تان تغییر کرده باشد؟ چه چیزی به شما کمک کرد که کمتر

خجالت بکشید؟



فعالیت پس از داستان



• ساخت پاکت نامه

به بچه‌ها بگویید می‌خواهیم برای ماه نامه بنویسیم و به پاکت نامه احتیاج داریم.

به هر یک از بچه‌ها یک کاغذ ۴×۴ بدهید و نحوه‌ی درست کردن پاکت نامه را به آن‌ها آموزش دهید. از آن‌ها بخواهید پاکت نامه خود را درست کنند و بعد آن را با پاستل و مدادرنگی یا کاغذ رنگی تزیین کنند. یک کاغذ کوچک ۶×۶ به آن‌ها بدهید که برای ماه نامه بنویسند یا نقاشی بکشند و داخل پاکت نامه بگذارند.

• انجام کاربرگ

کاربرگ را به بچه‌ها بدهید و از آن‌ها بخواهید آن را حل کنند.

